

# کارگران سخن میگویند!

## هسته کارگری مبارز افغانستان

دور دوم شماره هفتم جوزای ۱۳۹۳ (جون ۲۰۱۴)



[www.kargaranafghanistan.blogfa.com](http://www.kargaranafghanistan.blogfa.com)

[hastakargari@yahoo.com](mailto:hastakargari@yahoo.com)

: وبلاگ

: آدرس

## دور دوم انتخابات رژیم را وسیعتر از دور اول آن تحریم کنیم!

انتخابات نمایشی و فرمایشی اشغالگران و رژیم دست نشانده که به تاریخ ۲۴ جوزای ۱۳۹۳ برگزار میشود، برای به اسارت کشیدن هرچه بیشتر اقشار زحمتکش جامعه ما است. هر دو کاندید قبل از تدویر و برگزاری دور اول این انتخابات اعلام کرده بودند که اگر برنده شوند، پیمان امنیتی با امریکا را امضاء خواهند کرد. حال که انتخابات به دور دوم کشیده است، آنها یکبار دیگر روی امضای موافقتنامه امنیتی با امریکا تاکید کرده اند. واضح است که امضای چنین سندی به مفهوم دوام حضور دراز مدت نیروهای اشغالگر و غارتگر امپریالیست در افغانستان خواهد بود.

در کشوری که وطنفروشی، خیانت به منافع ملی و استثمار طبقات و اقشار پایین جامعه جز ذات و سرشت حاکمان خاین و فرومایه آن است، عدم تعادل اجتماعی روز به روز زیادتر میشود، به نحوی که اکثریت فقیر فقیر تر و وسیعتر و اقلیت ثروتمند ثروتمندتر و معدود تر می گردد. درد، رنج، محرومیت، عدم اشتغال و تضمین کار، مهاجرت، آوارگی، بیخانمانی، گرسنگی، بیماری، اعتیاد و هزاران هزار فلاکت اسفناک اجتماعی دیگر دمار از روزگار هموطنان تحت استثمار، ستمدیده و فقیر کشورمان در آورده است.

قطعاً نمیتوان به جنایتکاران، وطنفروشان و غارتگرانی که به جز منافع خود و اربابان اشغالگرشان به هیچ چیز دیگری فکر نمیکنند، اعتماد حاصل نمود!

### کارگران، دهقانان و زحمتکشان!

انسان فقط در قبال عملکردها و گفته‌هایش مسئول نیست، بلکه در قبال بر عملی‌ها و سکوت‌هایش نیز مسئول است. طبقات و اقشار وسیع تحت استثمار و ستم در کشور ما که جز درد و رنج و محرومیت چیز دیگری به دست نیاورده اند، نباید بیش ازین سکوت و بی عملی اختیار کنند. ما همه باید دست به دست هم داده و پوتانسیل عظیم مبارزاتی مان را بکار اندازیم و با بسیج فشرده و همگانی از شرکت در انتخابات نمایشی و فرمایشی رژیم دست نشانده اشغالگران ابا و ورزیده و قاطعانه تر از قبل آنها تحریم نماییم. در غیر آن اشغالگران و نوکران شان با سوء استفاده از توهمات مردمان ستمدیده این دیار یکبار دیگر رژیم دست نشانده را حاکمیت منتخب مردم جا خواهند زد. هموطنان زجر دیده دیارمان چه به انتخابات شرکت کنند و چه شرکت نکنند، رئیس وطنفروش بعدی رژیم بر حسب منافع غارتگرانه اشغالگران بر کرسی اقتدار تکیه خواهد زد.

"هسته کارگری مبارز افغانستان" دور دوم سومین انتخابات نمایشی و فرمایشی رژیم دست نشانده را با قاطعیت هرچه تمام تر تحریم نموده و از تمامی هموطنان ستمدیده خود میطلبد که به پای صندوق‌های رای نروند!

### مرگ بر اشغالگران و خائنین ملی

نمایش دور دوم سومین انتخابات رژیم قاطعانه تحریم کنیم!

"هسته کارگری مبارز افغانستان"

۲۱ جوزای ۱۳۹۳

## چه طبقاتی در جامعه ما وجود دارد؟

مجید

شدند و امروز بنام تاجران ملی قرار دارند و کسانی دیگری در جامعه ما که دارای سرمایه هائی هستند که از طریق و شیوه های هنگفت و معامله های سیاسی سطح ملی و منطقوی و در ارتباط با نمایندگانی که در جامعه به خرید و فروش املاک در بانگاه های معاملاتی و سود جوئی های انجوائی و سرمایه گذاری های بیرون و این افراد که هم نمایندگان سرمایه داران خارجی و معامله گیری های تجاری در کشور می نمایند بورژواکمپرادور یاد میکنند. آنانیکه از راه غصب و سود جوئی و کار مواد مخدر و قاچاق و احتکار و رشوه ستانی و غصب بدست می آورند هیچ مشروعیتی نداشته و باید در دادگاه های خلق به محاکمه کشانده شوند و املاک و سرمایه های شان ملی اعلام گردد.

دولت افغانستان خود عامل اصلی هر گونه فساد اخلاقی و مصادره اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی بوده که توسط نیروهای اشغالگر بر مسند قدرت رسانیده شده و این افراد بخاطر منافع شخصی به هر نوع سازش و خیانت ملی حاضرند تن در دهند تا بر ثروت های خود انباشت بیشتری داشته باشند. طبقه ای در جامعه ما بعنوان مبلغین دینی و مذهبی در خدمت سرمایه داران و ملاکین و ادارات دولتی قرار دارند که زمینه ساز و مشروعیت دادن به کارهای عاملین فساد در جامعه اند. دعوت کردن طبقات محروم جامعه را به سازش و محرومین جامعه به تابعیت از زور گویان و اذهان آنها را شستشوی داده و گاهی زورگویان را بدادن حق محرومین اندرز و پند میدهند و زندگی این قشر وابسته به سرمایه داران است.

تعداد معدودی هستند که دارای سرمایه های کوچک بوده و در داخل کشور انرا بکار می اندازند، اما از طرف سرمایه داران بروکرات و امپریالیزم تحت فشار قرار دارند. این ها بنام سرمایه داران یا بورژوازی ملی یاد میشوند. بورژوازی ملی از لحاظ سیاسی متزلزل است، از یکطرف علیه امپریالیزم و بورژوازی کمپرادور بخاطریکه زیر فشار قرار دارد، می ایستد و از طرف دیگر از انقلاب می ترسد، زمانیکه انقلاب اوج میگیرد ناچاراً به سمت انقلاب کشانده میشود.

در مجموع طبقات مرفه جامعه کسانی اند که دارای ثروت و املاک و قدرت اداری و سیاسی و نظامی و قضائی و مذهبی و دینی هستند و کسانیکه از این حدود محروم اند طبقات زحمتکش و حقوق بگیر هستند که اکثریت جامعه ما را تشکیل میدهند. شعار مساوات و برابری اعضای جامعه از طرف اشغالگران و رژیم پوشالی یک شعار پوچ و بی معنی است. زیرا در جامعه طبقاتی هیچگاه نمیتوان به برابری و تساوی حقوق دست یافت. فقط کارگران تحت رهبری پیش آهنگ خویش میتوانند از طریق انقلاب به این حقوق دست یابند.

به امید چنین روزی!

برای اینکه دارای زندگی شرافتمندانه باشیم ضرورت است که کار کنیم. کار انواع و اقسام زیادی دارد و در جامعه بشری به نام شغل یاد میگردد. هر کس برای ادامه حیات خویش به یک کار معین اشتغال دارد و کارها بدون ابزار نمیشود انجام داد. لهذا هر کاری را باید توسط ابزار و آلات کار آغاز بکار کرد. در جامعه ما که یک کشور زراعتی و مالدار است ابزار کار نیروی انسان و حیوان، زمین و آلات زراعتی نقش عمده را دارا می باشد و از زمانیکه در افغانستان رژیم وابسته بر سر قدرت آمد و به اصطلاح خصوصی سازی و یا بیشتر کارها سرمایه گذاری در بخش های خصوصی سرمایه گذاری گردید و در پهلوی زراعت و مالداری قسمتی از سرمایه ها در شهرک های صنعتی آغاز و به کارخانه ها به خدمت گرفته شد، طبقه ایکه با زمین و ابزارش در تولید فراورده های زراعتی صورت میگیرد دهقان نامیده میشود و طبقه ایکه نیروی کارش با ابزار مصنوعی و فراورده های تولیدی در کارخانه ها، در خدمت هستند بنام کارگر یاد میگردد و کسانیکه دارای سرمایه و مالک ابزار تولید هستند سرمایه دار گفته اند و آنانیکه صاحب زمین هستند و خود شخصا در کار تولید فراورده های زراعتی سهمی ندارند فئودال یاد میشوند و بعضاً اشخاصیکه در جامعه وجود دارند که هم دارای زمین و هم دارای شغل اداری هستند و در پست های دولتی دارای مقامی میباشند ایشانرا بنام (بوروکرات یا کمپرادور) یاد میکنند و عده ای دارای سرمایه های خورد و کوچک هستند و سرمایه هایشان در خدمت خرید و فروش کالای صنعتی و تولیدی بازار صورت میگیرد که عمدتاً تجارت شهری انجام میدهند؛ عبارت از دکانداران هستند و طبقه متوسط جامعه را تشکیل داده در جزء این طبقه میتوان دهقانانیکه مالک زمین های کوچک و خود در تولید زراعتی سهم میگیرند یاد کرد.

مامورین اداری، معلمین و کسبه کاران و روشنفران جزء طبقات متوسط جامعه هستند و این طبقه در جستجوی آسایش هستند و همیشه سعی به خرج میدهند که سرمایه دار شوند و امکان سرمایه دار شدن برای شان بسیار کم وجود دارد و ممکن زیاد تری است که به طبقات بی چیز تبدیل شوند. در جامعه ما مردمانی وجود دارد که از راه بساز و بفروش و خرید زمین های در زمان اوضاع نا امن جامعه خریداری کرده بودند و در شرایط مناسب امنیتی بفروش رساندند و به یک ثروت باد آورده دست یافته و در کارهای قراردادی و بیمان کاری های این ثروت را افزایش داده و دست به تجارت تیل و گاز و خریداری پارچه امدادی و مالهای لیلامی و غیره صاحب ثروت کلان شوند و یا سرمایه های اشخاصیکه در دوره جهاد از طریق کار مواد مخدر و غصب زمین های مردم و دولت کرده بودند و در اختیار گرفته اند و یا از طریق احتکار مواد ارتزاقی و بعضی از طریق تحولات ارضی در کشور صاحب چنین ثروتی

## سفید سنگ، یا گوانتاناموی کارگران افغانستان!

سلیم

وقتی که از پاسداران رژیم ایران در آن اردوگاه سوال شده که چرا بالای افغانستانی ها فشار می آورید در جواب گفته شده بخاطر اینکه دوباره یاد ایران را نکنند و آنها به حرف های خود ادامه دادند و گفتند که این چند شب را بسیار به سختی سپری نمودیم.

از آنها سوال نمودیم که آیا حاضرید دوباره به ایران برگردید در جواب گفتند که خود شما وضع اقتصادی مردم افغانستان را بهتر میدانید اگر در کشور ما کار میبود چرا فشار هایی که نیروهای ایرانی بر ما تحمیل میکنند، تحمل نماییم مجبوریم که برگردیم تا مصارف زندگی خود را تامین نماییم و گفتند نمیدانیم که این دولت به چه کار می آید به فکر مردم نیست و مصروف پر کردن جیب های خود می باشند. در جواب ایشان اظهار داشتیم که دولت افغانستان یک دولت دست نشانده بوده و هیچگونه اختیاری از خود ندارد مملکت ما توسط امریکائیه و شرکایش اشغال شده و هر چه آنها بخواهند همان میشود و سرنوشت ملت افغانستان به دست آنها می باشد. تا زمانیکه مردم افغانستان دست بدست هم ندهند و یک جا علیه اشغالگران اقدام نکنند روی خوشی نخواهند دید.

یکی از افراد در جواب گفت که اگر رئیس جمهور دیگری بیاید خوب خواهد شد. گفتم که نه! خوب نمیشود برای اینکه تا اشغالگران باشند رئیس جمهور هر که باشد مزدور خواهد بود و از کرسی بیشتر اختیاری نخواهد داشت.

هستند اشخاصی که به فکر نجات مردم افغانستان هستند ما باید آنها را پیدا نموده و همکاری نماییم تا آینده روشنی را رقم بزنیم.

چند روز قبل که از ایران وارد خاک افغانستان شدم، نسبت به ارزانی کرایه سوار سرویس ملی بس شدم که در خط هرات و مرز اسلام قلعه مسافر جابجا میکند. در آن موتر سرویس بدلیل کرایه ارزان مهاجرین عودت کننده به افغانستان به پیمانہ زیاد حتی در راه رو ملی بس می نشستند. سرویس مملو از نفر و همچنین ساک های آنها گردید طوری شلوغ شد که جای تنفس نبود. بعد از سر صدای زیاد مسافرین، بالاخره بطرف شهر حرکت نمودیم. کنار من دو نفر از اهالی میمنه - فاریاب نشسته بودند. بین خود صحبت میکردند که "پدر سوخته ها" این چند شب را در آنجا به سختی سپری نمودیم. من از آنها سوال کردم که ایرانی ها شما را از سرکار گرفتند؟ یا خودتان داوطلبانه ایران را ترک کردید؟ گفتند که ما داوطلب بودیم و بچند نفر اشاره کردند، آنها را از کار های شان گرفتند و اخراج نمودند. گفتم که اینقدر چرا فحش و ناسزا میگوئید؟ یکی گفت: او برادر پیش آن ظالم ها داوطلب و غیرداوطلب ندارد، همگی را بمدت ده شب یا بیشتر درین اردوگاه سفید سنگ نگهداری میکنند در یک سالن بزرگ مانند گوسفند. در آنجا می خوابانند هر وعده یک نان خشک بدون کدام غذای دیگر برای شان میدهند در عین حال رفتار شان بسیار خشن است، در آنجا دکه های مواد غذایی موجود است که نسبت به شهر اموال خود را به چند برابر قیمت شهر میفروشنند. هوایی اگر سرد و یا گرم باشد یک کمپل داده میشود. در هوای سرد یک کمپل کافی نیست تا صبح از خنکی خواب نمی رفتیم حتی شنیده شده که افراد پیر درینجا جان خود را از دست داده اند. چند سال قبل که مهاجرین اعتراض دسته جمعی از وضع بد در آن اردوگاه بعمل آورده بودند توسط نیروهای رژیم سرکوبگر با هلیکوپتر بمباران شده و چندین نفر جان خود را از دست دادند و هیچگونه اعتراض از طرف دولت دست نشانده صورت نگرفت.

## پیام همدردی

## به بازماندگان قربانیان معدن ذغال سنگ سومما - ترکیه

هر کس به خوبی میداند که مسئول کشتار کارگران معدن ذغال سنگ سومما در ترکیه دولت سرمایه داری آن کشور است. زیرا به گفته نماینده کارگران معدن ذغال سنگ سومما این حادثه نتیجه خصوصی سازی، افزایش استخدام کارگران مقطعی و کاهش نقش اتحادیه ها بوده است. این عوامل برای فشاربرروی کارگران برای تولید بیشتر در بدل معاش کمتر اعمال میشوند.

روز سه شنبه ۲۳ ثور ۱۳۹۳، بیش از ۴۰۰ تن از کارگران معدن ذغال سنگ در شهر سومما ترکیه جان خود را در اثر انفجار معدن از دست دادند. به تعقیب روز پنجشنبه ۲۵ ثور ۱۳۹۳ کارگران معادن ذغال سنگ و اتحادیه های کارگری ترکیه دست به تظاهرات زدند و عملکرد دولت ترکیه را در مقابل این انفجار مورد نکوهش قرار دادند. اتحادیه های کارگری ترکیه ماه ها قبل به مسئولین هشدار داده بودند که کاردر معادن ترکیه و بویژه معدن ذغال سنگ شهر سومما بسیار خطرناک است و مسائل ایمنی کار مراعات نشده اند. اما دولت سرمایه داری اردوغان همه هشدارها را نادیده گرفت و کارگران را به حال خود رها نمود.

نماینده کارگران معدن ذغال سنگ سومما در مصاحبه ای بیان داشته است که بی تردید مسئول مرگ بیش از ۴۰۰ تن از کارگران این معدن دولت اردوغان و سرمایه دارانی اند که جان انسانها برایشان ارزشی ندارد. در نظام سرمایه داری که نیروی کار حیثیت کالائی به خود اختیار میکند و مزدبگیران جامعه در بدل فروش نیروی کارشان مزد اندک و معاش ناچیزی برای گذران زندگی شان دریافت میکنند، انگیزه کسب حداکثر انباشت سرمایه داران کسب و غصب دسترنج کارگران و زحمتکشان معیار است و نه جان و سلامتی کارگر!

سیستم سرمایه داری در هر گوشه ای از جغرافیای جهان که مستقر باشد جز غارت دسترنج کارگران و تضعیف محیط ایمنی و مرگ نان آوران خانواده به چیز دیگری نمی اندیشد. حوادثی که در سالهای اخیر در آفریقای جنوبی، شیلی، ترکیه، برزیل، ایران و بولیوی و سایر کشورهای سرمایه داری رخ داده است نمونه های بارز چنین سیستمی هستند. کارگران همه کشورهای جهان تحت سلطه سرمایه داری دارای یک سرنوشتند و راهی جز متشکل شدن و برانداختن این نظام ضد بشری ندارند. راهی جز این برای رهایی متصور نیست.

«هسته کارگری مبارز افغانستان» ضمن ابراز همدردی با خانواده های جانباختگان معدن ذغال سنگ سومما و تمامی کارگران زحمتکش ترکیه، دولت سرمایه داری ترکیه را عامل این کشتار دانسته و سرمایه داران ترکیه را به شدت محکوم میکند.

## زنده باد همبستگی کارگران

## جاویدان باد همبستگی با کارگران ترکیه!

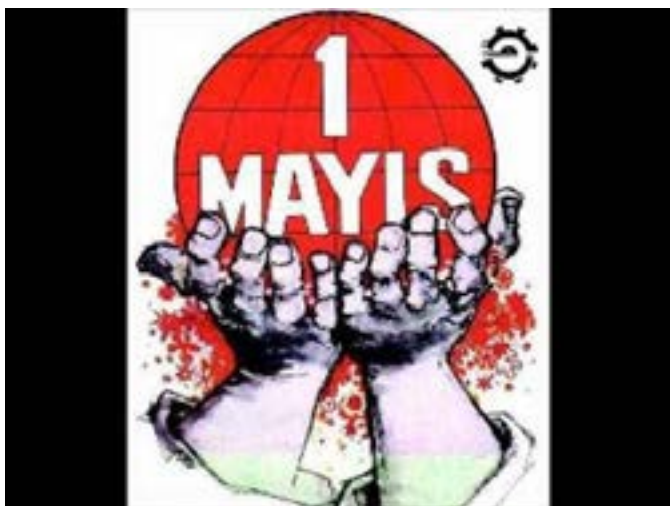
## پیروز باد مبارزات کارگران در سراسر جهان

## «هسته کارگری مبارز افغانستان»

۲۷ ثور - ۱۳۹۳

## نخستین روز ماه "می" برابر است با "یازدهم ثور" روز جهانی کارگران ...

ن. مبارز



از این روز در سراسر جهان تجلیل به عمل می آید. در سال ۱۸۸۹ م کنگره بین المللی کارگران در پاریس به پیشنهاد نمایندگان کارگران امریکا روز اول می را به عنوان روز جهانی کارگران برگزیدند.

شما کارگران و زحمتکشان می دانید چه قدرت عظیمی در اتحاد و همبستگی شما نهفته است؟

به همین علت است که کارفرمایان با تمام توان میکوشند تا اتحاد شما کارگران را بشکنند!

این پس خاموش شدنی نیست. هر روز طنین آن رساتر خواهد شد. چون برای حقیقت مبارزه می کنید و حقیقت همیشه پیروز است.

چگونه لاله های سرخ سربلند میکنند و چسان کارگران به پا میخیزند و برای گرفتن حق خود که هشت ساعت کار در روز هست مبارزه میکنند. شما کارگران با آرمان بزرگ به آزادی انسان می اندیشید، به روزیکه دیگر همه مناسبات و رابطه ها و ضابطه های کهنه فرو ریخته شود. دنیای دیگری با آئین دیگری به وجود بیاورید و انسان به وسیله انسان استعمار و استثمار نشود. شما کارگران و دهقانان حماسه آزادی را که شکوهمندترین است می سرائید. با دردها و رنج ها، خواسته ها و نیازهای طبقه آئی که کار میکنند، رنج می کشند و عرق می ریزند و همه نعمت های مادی، شکوهمندی های متمدن بزرگ را می آفرینند و خود از همه این مظاهر محرومند. به امید روزیکه شما خود حاکم سرنوشت خود بشوید!

حقیقت و آزادی را نمیتوانند برای همیشه در اسارت نگه دارند. استعمار را باید در هر لباس و نقابی که چهره می نماید شناخت، به او مجال ظهور نداد. امپریالیزم می خواهد با قلمداد نمودن ملت به بی فرهنگی این نتیجه را بگیرد که ملت مورد نظر زندگی ندارد شما کارگران در ازل چنین نبوده اید اسیر و برده به دنیا نیامده اید و در پیشانی شما خط بدبختی نقش نبسته بود. اگر بخواهید میتوانید که خود را نجات دهید. شما کارگران و زحمتکشان با اتحاد و همبستگی و مبارزه جمعی بر مشکلات خود فایق می آئید.

درفش آزادی خواهی و مبارزه را بر افراشته نگه دارید که راه دشوار و ناهمواری در پیش رو است. شما با متانت، شهامت، مردی و مردانگی این راه را پیموده و به پیروزی ایمان داشته باشید! امروز اگر صدای حق طلبانه شما را با گلوله خفه می کنند مطمئن باشید که این صدا از

## فرخنده باد روز جهانی کارگر

کارگران و زحمتکشان!

« هسته کارگری مبارز افغانستان » فرا رسیدن اول ماه می، روز جهانی کارگر را صمیمانه شاد باش می گوید. روز جهانی کارگر، روزی است که در آن کارگران سراسر جهان، در صفوف میلیونها کارگر و ستمدیده، عهد و پیمان خود را در راه مبارزه برای رهائی از زنجیر ستم و بهره کشی و دستیابی به حقوق پایمال شده شان و تضمین شغلی در محل کارشان را تا سرحد کسب آزادی واقعی و عدالت اجتماعی، تجدید میکنند.

امسال یکصد و بیست و پنجمین سالی است که مراسم اول ماه می (روز جهانی کارگر) در سراسر جهان بر ضد بی عدالتی ها و ستم طبقاتی و امپریالیستی با شکوه هر چه تمام تر و با اعتراضات هر چه گسترده تر برگزار میشود. این سنت بزرگ و پر اهمیت انقلابی در جولای ۱۸۸۹ میلادی، در خلال آن خاطره پیکار خونین کارگران (اعم از زن و مرد کارگر) نساجی شهر شیکاگو، که در سال ۱۸۸۶ میلادی به وقوع پیوست، بزرگ داشته میشود. کارگرانی که با خون خود جوی مبارزات حق طلبانه را آبیاری کردند و به تمام کارگران سراسر جهان نشان دادند که بدون مبارزه نمیتوان حقوق از دست رفته و پایمال شده طبقه کارگر را به کف آورد.

این مبارزه دارای ابعاد وسیع بین المللی است که نمیتواند ابعاد منطوقی و کشوری را در بر نگیرد، ازین روی « هسته کارگری مبارز افغانستان » به خاطر حقوق از دست رفته، عدم اشتغال در سطوح وسیع کارگران، زحمتکشان، دهقانان، پیشه وران، اهل کسبه (نانوایان، کفاشان، چرم دوزان، مس گران و ....) و بخاطر تحقق هر چه بیشتر به رسمیت شناساندن این روز بزرگ تاریخی که از حقوق زیر پای شده کارگران صدای اعتراضات آنها را میتواند به گوش جهانیان برساند، بیشتر از قبل تعهد مبارزاتی اش را اعلام میدارد.

کارگران و زحمتکشان کشور مان که در برگیرنده تمام صنوف و اتحادیه های کارگری و کسبه کاران است در شرایطی به تجلیل ازین روز بزرگ تاریخی میروند که متأسفانه بناء به مشکلات فراوان اقتصادی و عدم اشتغال، در رنج، فقر، فلاکت، آوارگی، دربدری و خانه به دوشی دست و پنجه نرم میکنند.

دولت مزدور به جز منافع اشغالگرانه باداران خارجی اش را نمیتواند در نظر داشته باشد و تمام وعده وعیدهای شان همه دروغ و ریاء است و برای فریب دادن توده های زحمتکش جامعه مان مورد استفاده قرار گرفته و میگیرد. بدون دست یابی به جامعه دموکراتیک نوین نمیتوان خواسته های کارگران و کلیه زحمتکشان را برآورده ساخت. این امر ممکن نیست مگر با بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم پושالی.

پس با اتحاد و همبستگی هر چه بیشتر و تلاش فراوان در راه بسیج فشرده تر کارگران و زحمتکشان جامعه مان که دربند انقیاد و اسارت اشغالگران و رژیم مزدور آن میباشد، دست به دست هم داده فریاد حق طلبانه کارگران و زحمتکشان جامعه را هر چه وسیعتر به گوش جهانیان برسانیم و با اتحاد و همدلی و با همسوئی مشترک مان، درد مشترک خویش را سمت و سوی انقلابی دهیم و به پیشواز روز جهانی کارگر برویم.

فرخنده باد اول ماه می، روز جهانی کارگر، روز همبستگی رزم جویانه کارگران و زحمتکشان سراسر جهان!

درد بر کارگران و زحمتکشان رزمنده افغانستان!

درد بر خاطره تابناک شهدای جنبش کارگری و تمامی شهدای راه آزادی میهن!

هسته کارگری مبارز افغانستان

۱۱ ثور ۱۳۹۳ (اول می ۲۰۱۴)

## پیام تسلیت هسته کارگری مبارز افغانستان

## به بازماندگان قربانیان حادثه ناگوار معدن ذغال سنگ تخار

## که به تاریخ ۱۱ ثور ۱۷ تن به کام مرگ فرو رفتند

اگر قرار باشد معدن این سرزمین به مراحل بهره برداری بعد از قرن‌ها برسد، سودش به جیب سرمایه داران مفت خوار سرازیر شود و قربانی را ما کارگران بدهیم و برده وار از ما زحمتکشان شب و روز کار بکشند، بهتر است قبل از پیدا شدن معدن آن معدن از زمین به آسمان برود تا دست این دولت نا بکار و بی کفایت به آن نرسد. تا ما کارگران هر روز قربانی ندهیم. برای سود آوری سرمایه داران مفت خوار.

”هسته کارگری مبارز افغانستان“ برای تمام زحمتکشان این سرزمین تسلیت گفته شبانه روزی تلاش می کنند، تا این سرزمین را از چنگال اشغالگران و سرمایه داران رها سازد و دولت مردمی را به وجود بیاورد. تا دیگر اقلیت ناچیز به نام سرمایه دار و دولت شان برای نود درصد از مردم این سرزمین ستم نکنند.

همه در رفاه و آسایش برادروار زندگی نمایند. تا رسیدن به آن دولت مردمی. تلاش همه کسانی را که از این وضعیت موجود ناراض اند را می طلبد.

## زنده باد آزادی و برابری

” هسته کارگری مبارز افغانستان “

۱۱ ثور ۱۳۹۳ (روز جهانی کارگر)

درست یک روز مانده به روز اول می روز جهانی کارگر، معدن ذغال سنگ در شمال افغانستان بر اثر بی لیاقتی سرمایه دار، آن بخش معدن در سمنگان جان ۱۷ تن از کارگران را گرفت.

خانواده ها آنها را برای ابد غم زده کرد و همینطور ما کارگران و تمام زحمتکشان را.

این بار اول نیست که معدن ذغال سنگ قربانی هائی میگیرد، یک یا دو ماه یکبار این اتفاق برای این عزیزان کارگر میافتد و سرمایه داران صاحبان آن معدن برای جلوگیری از این اتفاق ناگوار هیچ اقدامی نمی کنند. فقط به فکر سود جوئی خود هستند و بس.

اگر دولت نابکار و خود فروخته معدن افغانستان را از روز اول دو دسته برای سرمایه داران سود جوی برای مبلغ پول ناچیز تقدیم نمیکرد، نظارت عملی در آن میداشت، این اتفاقات نمی افتاد.

همین که در گوشه و کنار کشور معدن به بهره برداری می رسد. سر و کله سرمایه داران جنایت کار به مثل گرگهای گرسنه پیدا میشود، آن را به هر قیمتی شده از دست دولت سرتا پا فاسد بیرون میکشند و به مثل برده از کارگران این سرزمین کار میکشند. بدون این که برای حفاظت جان شان کاری بکنند و یا مزدی برای شان بدهند که کفایت دو وقت خرج شان بشود.



## در جستجوی خط اصولی و بنیادی

مجید:

زندگی ای که در آن بسر برند این نیاز جامعه ما و مردم ما میباشد که در جستجوی این خواسته ها ملت افغانستان می اندیشند که چه کسی میتواند خواسته های اولیه زندگی را برای ما به ارمغان بیاورد. امریکا، رئیس جمهورهای رنگارنگ، یا راه متحد شدن و ایستادن در برابر غاصبین منافع ملت های افغانستان، حالا امریکا یک ابر قدرت جهانی که دارای قدرت مالی و نظامی در سطح جهان می باشد چرا امریکا دایه مهربان تر از مادر برای کشور ما گردیده یک امر حتمی است که در اینجا بدنبال منافع خود است و رئیس جمهوری های رنگارنگ یکی با فیکل و نیکتائی و دیگری با قبا و ریش بلند و چقدر با سخاوت پول ها خرچ میکنند و این ثروت های باد آورده را از کجا کرده اند که در تبلیغات ها مصرف میکنند چه مردمان دلسوزی که در وقتی اگر یک مسکینی دست سوال بسوی شان دراز کند حاضر نیستند که یک افغانی برایش بدهند، لهذا این افراد معلوم میشود که اشخاصی هستند مزدور و به کشورهای بیگانه و پیش از کاندید شدن حلقه غلامی را بگوش کرده اند و ملت افغانستان را فروخته اند و به منافع ملی و ثروت های ملی پشت پا زده اند. جبهه گرفتن در مقابل این سیستم خط مردم است که آنها را سرنگون سازند. خط ناب ملی و دموکراسی حقیقی درین راه مردم میتوانند که آنها را سرنگون سازند و آنچه را میخواهند به آن برسند. درین راه باید سه سلاح عمده داشته باشیم. بدست گرفتن این سه سلاح است که توده ها را از درد و رنج نجات میدهد.

زیرا تاریخ بشر در گذشته ها از این امکانات استفاده کرده اند و به هدف خود رسیده اند ما هم باید درین زمینه کار و کوشش نماییم تا صاحب این امکانات بشویم. از سواد آموختن به علم رسیدن و از تغییر کالا به تولید و مبارزه در برابر بیعدالتی رسیدن به عدالت اینها یک اصولیت بنیادی است که ما در جستجوی آن در تلاش هستیم تا درین خط عمل نماییم و به بستر مناسب زندگی برسیم.

انسان برای زنده ماندن نیاز به کار کردن و جای بود و باش و تحصیل کردن و سلامتی و امنیت و رفاه و آسایش دارد که میشود گفت اینها همه حق هر انسان در زندگی می باشد. انسان موجود اجتماعیست و آنچه در زندگی اجتماعی در خور اهمیت است تعاملات آن را باید در نظر گرفت یعنی که باید برای همدیگر و بحقوق یکدیگر احترام بگذاریم. بستر زندگی برای همه یک فضای همزیستی گسترده ای است که آغوشش باز بوده تا در آرامش زندگی انسانها صورت بگیرد. چرا این آرامش به هم میخورد؟ زیرا در میان انسانها افراد حریصی وجود دارد که بحق دیگران احترام نگذاشته و سبب درهم ریختن شرایط آرام زندگی دیگران میگردد و نظم زندگی دیگرانرا بر هم زده و خط فاصل بوجود می آید. طبقات تمایزات و خط فاصل را میان جامعه ایجاد نموده است، تا زمانیکه طبقات در جامعه وجود داشته باشد، نمیتوان تمایزات طبقاتی را از میان برداشت. طبقات استثمارگر همیشه از کار دیگران سود می جویند و بستر زندگی را بدیگران دنیای جهنمی ساخته و در آتش خشم خود انسانهای بیگانه را می سوزانند خانه و کاشانه شانرا به ویرانه تبدیل میکنند و مدارسی را خراب می نمایند از علم و دانش دوری میجویند و فقر و بیچاره گی را بر دیگران روا میدارند و سلامتی را از مردم میگیرند و میخواهند که مردم در جهل زندگی کنند تا از نادانی مردم بر ثروت خود بیافزایند و واقعیتهای عینی را بگونه باطل و دروغ جلوه دهند و همیشه سبب فتنه میگرددند تا از آب گل آلود ماهی بگیرند، این روش نفاق بینداز و حکومت کن در میان انسانها تفرقه خلق میکنند تا مردم را از یکدیگر دور کنند و مانع اتفاق و اتحاد مردم میگرددند. اگر مردم با هم متحد شوند خواستار عدالت خواهی میگرددند و در مقابل زورمند و فرصت طلبان جبهه میگیرند، آنها را سرنگون می سازند و دیگر جائی برای اینگونه انسانهای حریص در میان بستر زندگی نمیباشد و آرامش بستر زندگی جاویدانه میگردد.

همین طور در جامعه فعلی ما آنچه که مردم ما میخواهند آرامش و آسایش، سلامتی و دانش و دور کردن فقر، بیکاری، جهل و نادانی و خواهان یک بستر مساعد

## برای کسب علم مبارزه، شناخت ضروری است.

چنین حالتی است که روحیه افسرده گی و دلهره را از روح وجان کارگران، دهقانان و روشنفکران می زداید و آنها را به یک نیروی بالفعل تبدیل می نماید.

در طول تاریخ جنبش کشور انشعابات سبب تضعیف نیروهای انقلابی گردیده و یکی از عوامل افسرده گی و سردرگمی نیروهای به اصطلاح شعله ئی همین انشعابات و بخصوص انشعاب اکونومیستی داکتر فیض بوده، اما عامل عمده تر این سر خوردگی تسلیم طلبی به اصطلاح شعله ئی به اشغالگران و رژیم مزدور و دست نشانده می باشد که تا کنون هم ادامه دارد. این تسلیم طلبی باعث دامن زدن به تسلیم طلبی در میان توده ها و بخصوص روشنفکران گردیده و به عنوان بزرگ ترین خیانت ملی ثبت تاریخ گردیده است.

هسته کارگری مبارز معتقد است که برای رشد فکری باید میان کارگران، دهقانان رفت، زیرا رشد فکری انسان را اراد تمند و متعهد می کند تا در برابر مشکلات مقاومت نموده و مبارزه خویش را به شکل درست و اصولی به پیش برد. هر قدر ارتباطات دامنه وسیع تری پیدا نماید امکانات مبارزاتی را آماده تر می سازد.

برای اینکه بتوانیم در میان کارگران و دهقانان واقفان و طبقات مختلف ستم دیده کارنماییم باید دارای روحیه ایثار، فدا کاری و به ویژه فروتنی و از خود گذر باشیم، در مسایل روزمره توده ها شریک شویم و به مشکلات شان به اندازه توان کمک نمائیم، و به زبان خودشان صحبت کنیم، در میان توده ها زندگی کردن و از آنها آموختن و آموخته ها را بکار بستن یکی از اصول اساسی مبارزاتی است.

بدون زندگی کردن با طبقات محروم جامعه و توده های ستم دیده ادامه مبارزه و به پیروزی رساندن انقلاب غیر ممکن است. زندگی انقلابیون در میان توده ها مانند زندگی ماهی در میان آب می باشد اگر ماهی از آب بیرون شود زنده نمی ماند یک انقلابی نمی تواند بدون مردم خود و دور از مردم خود به زندگی انقلابی اش تداوم بخشد.

یک تشکیل انقلابی زمانی به یک تشکیل واقعا انقلابی تبدیل می شود که بخاطر پیش برد کار انقلابی میان مردم برود. این عملکرد تغییراتی در وضعیت نیروهای مردمی و انقلابی بوجود می آورد، دسترسی به کیمیت توده ای و از کیمیت به کیفیت رسیدن جنبش انقلابی را فعالیت عملی یعنی آموخته را بکار بستن نیروهای انقلابی و مردم می را میرساند. این چنین شرایطی است که اشغالگران را وادار به خروج از افغانستان نموده و زمینه سرنگونی رژیم پوشالی را فراهم می سازد.

راه مبارزه پر خم و پیچ بوده باید از سختی ها و مشکلات نهراسید و مقاومت کرد، ایثار و فداکار بود ولی باید با تدبیر و سنجیده، شجاعت انقلابی خویش را در عمل پیاده ساخت، مرگ امر حتمی است ولی زنده ماندن هم یک مبارزه است، می خواهیم شرافتمندانه به حیث یک انسان شرافتمند زندگی کنیم و بمیریم، و در برابر آنانیکه سد راه مبارزه می شوند ایستاد و آنها را از سر راه خویش برداریم.

از آنجائیکه در جاده زندگی ناهمواری ها و ناملایمات زیادی موجود است، که انسان را متقاعد میکند در برابر این ناهنجاریهای اجتماعی یک سلسله اقدامات بنیادی جهت تغییر سیستم نظام استثماری برای بهبودی زندگی طبقه محروم جامعه در بسیاری جهات جامعه بوجود بیاورد. از آنجای که این حرکت به منافع افراد و اشخاص برخورد می کند آنها موانع و سد های در مقابل شان خلق می نمایند و دوگروپ متقابل بمصاف همدیگر می روند. طبقه ستمگر که متشکل از دولت، پولیس و ارتش... می باشد، از نیروی بالنده به انواع و اشکال مختلف جلو گیری به عمل می آورد. به این اساس نیروی بالنده جامعه (طبقه کارگر) باید که انواع مبارزه را فرا گیرند. برای این کار باید دارای استراتیژی و تاکتیک اصولی بوده، و تاکتیک باید همیشه در خدمت استراتیژی قرار داشته باشد. برای اینکه بتواند بصورت درست و اصولی تاکتیک هایش را پیاده نماید، باید جامعه را دقیقاً بشناسد، به همین ترتیب از دوست و دشمن شناخت حاصل نماید. یا عبارت دیگر مرز دقیق میان دوست و دشمنان خود بکشد. هم چنین دوستان موقتی را نیز بشناسد و از لحاظ تاکتیکی بتواند در شرایط مشخص باوی برای درهم کوبیدن دشمن متحد گردد. این اتحاد را تا آنجا که اصول به او اجازه می دهد پیش برد. یعنی اصول "حق داشتن، سود جستن و اندازه نگهداشتن" زیر سوال نرود. برای این که در کار و بیکار مبارزه موفقیت نصیب وی گردد، باید تمام فنون و اشکال مبارزه را فرا گیرد. در غیر این صورت به شکست مواجه می گردد. ما که در سر آغاز مبارزه قرار داریم و از جمله مبتدیان برای تداوم مبارزه و بیکار در مرحله آغازین مبارزه پر خم مبارزه را بلند کرده ایم و در مقابل بزرگترین دشمن انحصارگر جهانی که کشور ما را اشغال نموده و دارای بزرگترین شبکه های امنیتی و جاسوسی و اطلاعاتی است، باید اصول متذکره را دقیقاً درک نموده و آنرا دقیق بکار بندیم. این آمادگی برای نیروهای انقلابی بخاطر شکست دشمن امری است حتمی و ضروری.

دشمنان زحمتکششان در کمین شکار افراد آزاد منش و انقلابی دام ها گسترده اند ما در گذشته شکست های بسیار زیادی خورده و تلفات سنگین برپیکر جنبش انقلابی افغانستان از جانب دشمنان رنگارنگ توده زحمتکش افغانستان وارد شده است. این خسارات و شکست هارا می توان با کار و فعالیت های انقلابی جبران نمود. نیروهای انقلابی خمیرمایه انقلاب می باشند، اما طبقه کارگر پایه مادی و ستون انقلاب اند و دهقانان بهترین و نزدیک ترین متحد طبقه کارگر در امر پیش برد مقاومت ملی مردمی و انقلابی در افغانستان می باشند. برای اینکه بتوانیم این اهداف را بر آورده سازیم باید به تربیت نیروهای انقلابی از هیچ گونه تلاشی دریغ نورزیم و هسته های کارگری را در کارخانه ها پر بارتر سازیم و اگر در کارخانه های که هسته کارگری وجود ندارد بکوشیم که آنرا بوجود آوریم و آگاهی های لازم را از این طریق در میان کارگران ببریم.

باید دانست که در شرایط کنونی از مبارزات مخفی، علنی و نیمه علنی چگونه استفاده نمائیم و چگونه اعتصابات راه اندازی و رهبری کنیم. برای این کار در وحله اول باید کارگران را متشکل نمود و حلقهات آموزشی را ایجاد و وسعت بخشید. باید متوجه بود که حلقهات آموزشی از پنج نفر بیشتر نباشد. حلقه ها مانند دانه های زنجیر است که با یک دیگر متصل هستند. تداوم همین دانه ها سبب رشد نیروهای انقلابی می گردد.

## جوان پر شور و ناآگاه

سلیم : ۲۵ جوزای ۱۳۹۳

یک از زندانی ها به او گفت که بچه خاله تو که پول نداری یعنی زور نداری، همین دولت از همان زورمندان است، اگر گناهکار هم باشی پدرشان با یک تماس تلفنی از آنها کسی سوال نکرده و رها میشوند، لیکن در عوض تو اینجائی. بعد از شنیدن حرفهای زندانی بغض گلویش را گرفت و گفت باید هر کاری یک راهی داشته باشد. یعنی امکان ندارد که جامعه همیشه بدست غارتگران باشد. حالا نمیدانم که از کدام راه اقدام کنم. بعد از رهایی از زندان گوشه گیر شد و تن به قضا و قدر داد. روزی از روزها به یک نفر محاسن سفیدی که در کنار او در پارکی نشسته بود، به چهره این جوان نگاه میکرد، برخورد، یک نوع تشویش روحی در جوان پیدا بود. از جوان سوال کرد: که چراغمگینی؟ جوان گفت: که همین اوضاع را نمیبینی؟ نه کار است، نه غذا و نه عدالت، چرا غمگین نباشم. برای اینکه هیچکاری از من ساخته نیست. آن مرد با تجربه خنده ای کرد و گفت که آفرین، جوان با احساس هستی، تو درد اجتماع را درک کردی و لی راه چاره را بلد نیستی و گفت که تو باید از مسائل آگاهی پیدا کنی و مطالعه کنی و چون راهی که تو انتخاب کردی راهی درستی نبوده و راه نجات هم نیست، هستند کسانی که بدور هم جمع شدند و فرمول های که قبلا در جوامع بشری عملی شده و جامعه خود را از ظلم و ستم غارتگران و تجاوزات خارجی ها نجات دادند و جامعه انسانی را بنا نهادند، حالا میخواهند که در شرایط جامعه ما عملی سازند. به کشور ما هم تجاوز صورت گرفته و برای نجات آن کاری طاقت فرسا انجام میدهند تو باید هر طور شده آنها را پیدا کنی با آنها یک جا کاری انجام بدهی، آنوقت است که راه درست و اصولی را پیدا نموده و تو با علاقه فراوان راه را ادامه خواهی داد و بعد از اینکه حرفهای پیرمرد تمام شد با خود گفت که هر طور شده آن اشخاص را پیدا خواهیم کرد. با هم یک جا کار اصولی و درستی که بالاخره به راه نجات ما منجر شود اداء خواهیم کرد و کشور را از دست اشغالگران و دست نشاندگان شان رها می نمایم و به استقلال واقعی خواهیم رسید.

سالها پیش پسر جوانی که پدرش کارگر ساختمانی بود، در حومه شهر با فامیل خود مثل بسیاری از فامیل های دیگر به سختی زندگی خود را سپری می نمودند. این جوان مکتب را با بسیار مشکلات تا صنف ۱۲ ادامه داد و سند فراغت حاصل نمود. بعد از فراغت از تحصیل چون مشکلات اقتصادی فراوانی داشت پدرش گفت پسرم حالا مکتب را خلاص کردی باید که کاری پیدا نمائی تا مشکلات از دوشم کمتر گردد، پسر دوست داشت که به پوهنتون هم برود، لیکن مانند بسیاری از فرزندان این مرز و بوم در اثر فقر اقتصادی که نتوانستند به تحصیل ادامه دهند، او هم از ادامه تحصیل بازماند و بدنبال کار رفت تا اینکه در اثر تکاپوی زیاد کاری در یک شرکت خصوصی بحیث کارگر عادی مشغول به کار شد. این جوان احساسات پرشور داشت و در دوران مکتب از معلمین خود سوال های زیادی مینمود. مثلا اینکه رشوت و فساد و چور و چپاول زورمندان درین کشور زیاد است و یا اینکه میشنوید به دختری توسط پسر زورمندی تجاوز صورت گرفته ولی دستگاه قضائی دولت حتی یکروز تجاوز را در حبس نگاه نمی دارد. معلمین بدلیل محافظه کاری از جواب دادن صرف نظر مینمودند و میدید که پولیس دولت با مردم رفتار ظالمانه و برخورد خشن مینمودند و همچنین مامورین دولت علنا رشوت از مردم طلب میکنند. روزی در تنهایی نشسته بود با خود فکر میکرد که راه نجات کجاست، چگونه به یک جامعه انسانی برسیم، چون از موضوعات آگاهی نداشت و تحت تاثیر فیلم های مبتذل امریکائی و هندی قرار داشت که چطور یک نفر میتواند با یک لشکر درگیر شود، بالاخره پیروزی از آن یک نفر است. تا اینکه راه بی بند وباری را پیشه خود کرد و بگفته عوام ( کاکه ) شد. با بعضی از پسران زورمندان و با نفوذ درگیر شده هر بار خودش لت و کوب شده و راهی زندان میشد. چند بار این کار تکرار شد، روزی که در محبس کنار زنانه های دیگر نشسته بود از روزگار گلایه مینمود، میگفت: هیچگونه گناهی ندارد لیکن جاییش در زندان است. او میگفت : من میخواهم که عدالت را بر قرار کنم برعکس بی عدالتی صورت میگیرد.

## حمله دیگری فرارسید

کشور ما نظریه رشد نیروهای مولده از جمله کشورهای عقب نگه داشته شده بوده و مواد زراعتی و تولیدی کشور به هیچ عنوان تکافوی احتیاجات دهقانان را نمی کند چه رسد به تکافوی احتیاجات کل کشور. افغانستان امروز مارکیت فروش تولیدات زراعتی و بنگل کشورهای همسایه گردیده است.

امروز دردهات هیچ ساختار وزمینه ای که بتواند دهقانان را از اسارت قیودات قدرت مندان نجات دهد هنوز بوجود نیامده است. وظیفه ورسالت نیروهای انقلابی است که برای بیداری اذهان توده های زحمتکش دهقانی جهت متحد ساختن شان روانه دهات شوند و در میان شان زندگی راسپری نموده از ایشان آموخته و به آنها بیاموزانند. از طریق پیوند عمیق باتوده ها و آموزش است که توده ها علت بد بختی و راه بیرون رفت از این معضل را به خوبی درک می کنند. با درک این مطلب می توان دهقانان را متشکل نمود و همان نیروهای فکری و معنوی به حیث یک نیروی مادی و قدرت مند در برابر قدرت مندان که سالیان زیادی حق و حقوق دهقانان را به بهانه های گوناگون غصب کرده اند سپر واقع شوند و آنها را وادار به عقب نشینی نمایند.

زمانیکه کارگران و دهقانان علت بدبختی شان را درک نمایند، آنزمان برای بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی رژیم پوشالی تحت رهبری پیش آهنگ خویش بسیج می شوند، و برای اینکه از پریشانی نجات یابند و صاحب زمین شوند و برای دهات کشور بندها و نهرها و راه ها اعمار گردد و امکانات زراعتی تا حد ممکن در اختیارشان گذاشته شود، تا پای جان برای بیرون راندن اشغالگران و استقرار انقلاب دموکراتیک نوین می رزمند.

برای دهقانان کشور وقتی جشن و شادی آماده می شود که اشغالگران از کشور بیرون رانده شوند و رژیم دست نشانده سرنگون گردد و انقلاب دموکراتیک نوین به پیروزی رسد. آنوقت کارگران و دهقانان صاحب زمین و صاحب اختیارات خویش می شوند و بر مشکلات فعلی دردهات فایق می آیند.

روز اول حمل سال ۱۳۹۳ در حالی فرا می رسد که افغانستان در اشغال امپریالیست ها به رهبری امپریالیزم امریکا بوده و رژیم دست نشانده شان بر مسند قدرت تکیه زده است. طبق سنن ملی مردم افغانستان این روز به جشن دهقان مسمی و رخصتی عمومی است. رژیم پوشالی برای دهقانان کشور ما چه دست آوردهای از زمان اشغال افغانستان تا اکنون داشته است، که دهقانان کشور ما به آن دل خوش داشته باشند. بنا به ادعای رژیم پوشالی طرح توسعه انکشاف دهات یکی از دست آوردهای دولت کرسی برای دهقانان کشور بوده است و این طرح از طریق شوراها "همبستگی ملی" دردهات عملی می شود. پولهای هنگفتی که از جانب کشورهای اشغالگروهیم پیمانانش به افغانستان بعنوان کمک سرازیر گردیده است، اکثریت عظیمی از این کمک ها از طرف اراکین بلند پایه دولتی حیف و میل می گردد و مقداری از این کمک ها از طرف مامورین "همبستگی ملی" و شوراها و اربابان دهات به یغما برده می شود و مبلغی کمی که از آن ها در دهات به مصرف میرسد، دردی را دوا نمی کند. زیرا اگر مکتبی ساخته شده است متعلمین فاقد استادان مسلکی می باشند و اگر کلینیک ساخته شده است بدون داکتر و متخصص و فاقد دارو می باشد، و اگر راهی کانگریت و یا اسفالت گردیده است آنرا در نبوده و در ظرف دو - سه سال از بین رفته است. مردم دردهات از دست بیکاری، فقر، بیسوادی و اعتیاد به ستوه آمده. مسبب اصلی همه ای این بد بختی ها اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده می باشد. جوانان بیکار روستائی بخاطر کار به شهرها می روند و با راهی دیار کشورهای بیگانه و همسایه گردیده اند.

زمین های دولتی و شخصی توسط مافیای زمین غصب گردیده و در جهت منافع شخصی شان بکار گرفته می شود، در حالیکه وضعیت کارگران و دهقانان کشور روز به روز خراب تر می گردد. جوانان روستایی که راهی شهرها شده به عنوان کارگرذخیره در صف کارگران بیکار قرار می گیرند. ازدیاد کارگران بیکار در شهرها سبب می شود که کارگران نظر به عدم موجودیت زمینه کاری نیروی کار خود را به قیمت نازل بفروش رسانند و باعث تضاد میان کارگران شهرو روستا گردد. امروز

## پیام هسته کارگری مبارز افغانستان در رابطه به انتخابات ۱۳۹۳

به همینطور وزارتخانه ها و پست های بلند حکومتی از این دست به انجای مختلف در مکیدن خون و شیربه جان طبقه کارگر مخلصانه زحمت می کشند، اما ناگفته نباید گذاشت که سران این رژیم دست نشانده برای خود و اطرافیان شان خدمات ارزنده ای انجام داده اند، که حتی ذکر نام شان نیز در این بحث گنجایش ندارد، ما و شما می بینیم افرادی که تا دیروز در کشور های همسایه کسی به سلام شان جواب نمی داد امروز بر مسند کرسی های آنچنانی تکیه زده اند و از فیض نظام حاکمه بر خون و مال طبقه بدبخت جامعه حکومت میرانند و علاوه بر چپاول و غارت حاصل رنج آنها را نیز به یغما می برند.

ما با جرات می گوئیم که نه آنها را ما انتخاب نموده ایم و نه از آن ماست و نه هم انتظار خدمت آنها را داریم چرا که تمام رنج ها و بدبختی هائی را که تا حال متحمل شده ایم از موجودیت همین نظام مزدور می باشد. هدف ما نه انتخاب آنها بوده بلکه سرنگونی عاجل این نظام می باشد ما طرفدار حکومتی هستیم که از بین خودمان و از آن ما باشد و برای همگان ممثل برابری و برادری باشد.

خواننده عزیز!

اگر در انتخابات ۱۶ حمل ۱۳۹۳ به این رژیم و امثال این ها رای تأیید بدهید، متضمن بقای نیروهای اشغالگر و رژیم دست نشانده گردیده اید و در خیانت ملی شریک می شوید، زیرا شرکت در انتخابات خیانت ملی است. مطمئن باشید فجایعی که تصورش را نخواهید کرد بر سرتان خواهد آمد. پس ما مزدبگیران و کارگران این کشور جواب مان به انتخابات فقط نه نه است و بس.

ما با تمام توانی که داریم آنرا تحریم می نمائیم.

به امید روزی که نظام حاکم دست نشانده توسط خود ما سرنگون گردد و دیگر نشانی از نیروهای اشغالگر در افغانستان باقی نماند و خود ما سرنوشت خویش را بدست بگیریم.

**به پیش به سوی این هدف والا!**

**زنده باد آزادی و برابری**

**هسته کارگری مبارز افغانستان**

**۵ حمل ۱۳۹۳ ( ۲۵ مارچ ۲۰۱۴ )**

ما مزد بگیران افغانستان تمامی کارکردها و کارنامه های این رژیم ضد انسانی و دست نشانده اشغالگران امپریالیست و سراسر فساد را مورد مطالعه قرار داده و تمام عملکرد های چندین ساله حکومت را به بحث و گفتگو با قشر جوانان و طبقه کارگر جامعه که اکثریت اتباع کشورمان را تشکیل می دهند گذاشته ایم .

دست آوردهای حکومت پوشالی جز رشوه خواری ، دزدی از مال بیت المال مانند داستان کابل بانک که میلیون ها دالر چپاول گردید و معلوم نشد سرنوشت اش بکجا رسید، خرید و فروش کرسی های وزارت خانه ها به معامله گری های پشت پرده و مصلحتی غصب اراضی موقوفه به وسیله دلالان و زمین خواران، واگذاری معادن به بهانه سکتور خصوصی با اطرافیان خودشان و صدها عمل غیر انسانی، دیگر هیچ دست آوردی ندارد .

واضح و روشن است که این رژیم دست نشانده انتخاب طبقه کارگر نبوده و نمیباشد و نه هم آنها برای ما خدمتی نموده و نخواهند کرد بلکه برعکس برای غارت منابع و به برده کشاندن ما زحمتکشان قد علم نموده و از هیچ گونه ظلم دریغ نمی نمایند.

از آنجمله می توان به وزارت معادن و صنایع نظام حاکم اشاره نمود که برای نیمی از پیکر جامعه ما چه گلی به آب داده است. اگر معدن ذغال سنگ به بهره برداری رسید و دیگر معادن که حاصل دست رنج و زحمت کشی قشر کارگر میباشد فوراً به سرمایه داران بزرگ واگذار می شود تا هر چه در توان دارند در حق مزد بگیران این معادن ظلم و ستم نمایند و بجای هشت ساعت کار از آنها ۱۲ ساعت کار بکشند، بجای حد اقل ۱۰۰۰ افغانی مزدشان در هر روز ۲۰۰ افغانی بپردازند و برده وار شب و روز از آنان بهره کشی کنند .

اگر از ما زحمتکشان سالانه صدها تن را در مرزهای کشورهای همسایه، که برای بدست آوردن لقمه نانی وادار به مهاجرت شده اند، به رگبار مسلسل بسته اند، باز هم این رژیم صدای خود را بلند نمیکند.

همچنان از جمله بی عدالتی های موجوده تراکم و فشار کاری بالای کارگران افغانستانی بوده که از طرف سرمایه داران و به حمایت این نظام بر آنان اعمال می شود چنانچه اگر در شاروالی ها ضرورت بکار ۲۰۰۰ نفر کارگر باشد این وظایف توسط ۲۰۰ نفر از طریق فشارکاری و افزایش ساعات کار انجام میدهند از طرفی تمامی عواید کشور را همچون شاروالی ها ، گمرکات و بنادر را در بین خود شان تقسیم می کنند و این مانند ضربه المثل مشمت نمونه خروار می باشد.

## بخش اصطلاحات

درین شماره به تعریف اصطلاح کلمه امپریالیزم یا امپریالیست می پردازیم:

کلمه امپریالیزم در لغت از ریشه امپراطوری مشتق شده است؛ یعنی تشکیل امپراطوری دادن و در معنی وسیع، هر نوع گسترش، توسعه ارضی و سلطه قوی بر ضعیف را در بر می گیرد. این نوع امپریالیزم در طول تاریخ همیشه وجود داشته است مانند امپراطوری های ایران، رم، عثمانی و... در اصطلاح، امپریالیزم یک مفهوم جدیدتر را نیز شامل می شود و آن گسترش گرایی کشورهای پیشرفته اروپایی در بقیه جهان در ۵۰۰ سال اخیر است. این نوع گسترش و توسعه، از نزدیک به زایش و بلوغ سرمایه داری نسبت داده شده است. به این معنی که گوناگونی شدن سرمایه داری و تحولات تکنولوژیک و نیازهای ناشی از پویایی و ضرورت درونی این شیوه تولید (نیاز به انباشت)، گسترش ارضی و سلطه به سرزمین های دیگر را باعث شده است. نکته قابل

توجه این که شیوه های امپریالیزم بر حسب نیازهای مراحل مختلف گوناگونی شدن جامعه سرمایه داری، متفاوت می باشد، از این روست که حتی پس از پایان استعمار کلاسیک و کسب استقلال ملت ها و سرزمین های دیگر، باز امپریالیزم که جوهر آن بهره کشی و استثمار یعنی بهره کشی ملت ها و سرزمین های دیگر است، از راه حفظ وابستگی های اقتصادی و مالی ادامه یافته است. در سیستم جهانی سرمایه داری یک تقسیم کار بین المللی وجود دارد که نتیجه آن تداوم وابستگی مناطق حاشیه و تجمع مازاد (یا انباشت سرمایه) در کشورهای غربی مدیون گسترش آنها در سرزمین های دیگر بوده است تا از طریق یک مازاد فزاینده در کشور مادر، ثروت و قدرت خود را به زیان کشورهای تحت سلطه افزایش دهند.

عزیزم پاک کن از چهره اشکت را،

ز جا برخیز تو در من زنده ای، من در تو

ما هرگز نمی میریم

من و تو با هزاران دگر این راه را دنبال می گیریم

از آن ماست پیروزی از آن ماست فردا

با همه شادی و بهروزی عزیزم کار دنیا رو به آبادی ست

و هر لاله که از خون شهیدان می دمد امروز نوید روز آزادی ست

«هوشتنگ ابتهاج»

نه آهنگرم  
 نه نجار  
 نه میتوانم میخی بکوبم  
 نه پتکی دارم  
 تنها میتوانم رویایی بسازم  
 پنجره بارانی  
 دری بی قفل  
 و لنجی بی لنگر  
 برای کسی که به حبس ابد محکوم است  
 برای کسی که در ذلت و فقر و شکنجه اسیر است  
 برای کسیکه برده بردگان است  
 برای مرد و زنی که در مسیر پرتکاپوی زندگی سردرگم است  
 برای هموطنم  
 برای آزادی  
 دری به سوی عشق  
 دری به سوی آبادی  
 دری به سوی عشق  
 دری به سوی آزادی  
 زنده باد رزم مان  
 زنده باد عزم مان  
 زنده و پایدار و پرتوان باد رویایی که باید بدان رسید

چه فرقی می کند نوروز باشد یا خزان باشد  
 چه فرقی می کند کندوز باشد بامیان باشد  
 درون سفره ی ما درد باشد با غم و حسرت  
 و طعم اشک دایم بر زبان کودکان باشد  
 درون سفره ی تو هفت سین، هفتاد من میوه  
 خدا با کودکان مثل مادر مهربان باشد  
 کباب گوسفند تازه، نان گرم و شربت ها  
 برای هر کدام تان همیشه نوش جان باشد  
 و اینجا کودکان، طوفان فقر و درد بی نانی  
 چنان باشد که تنها پوست روی استخوان باشد  
 چه فرقی می کند دیروز با امروز و نوروزش  
 اگر قصر ستم بالا به اوج آسمان باشد  
 چه فرقی می کند نوروز می آید، نمی آید  
 اگر رویای ما تنها و تنها نیم نان باشد  
 چه نوروزیست آن روزی که مادر میهن زیبا  
 اسیر پنجه های خون چکان دشمنان باشد  
 ستم بر باد باید شد، وطن آزاد باید شد  
 همان روزی که آزادی بود، نوروز آن باشد



"هسته کارگری مبارز افغانستان" صدای برحق کارگران ستمدیده افغانستانی است

آدرس ما: [www.kargaranafghanistan.blogfa.com](http://www.kargaranafghanistan.blogfa.com)

ایمیل آدرس ما: [hastakargari@yahoo.com](mailto:hastakargari@yahoo.com)